

مقایسه نقش آموزشهای مهد کودک در شناخت عواطف شخصی و شناخت عواطف دیگران و برقراری ارتباط با

دیگران در کودکان مهد کودکی و غیر مهد کودکی

نام و نام خانوادگی: اطهره السادات موسوی: میترا کامیابی

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته روانشناسی

موسسه دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان

۲- دکتری علوم تربیتی استاد راهنما

موسسه دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان

چکیده:

هدف مقاله حاضر مقایسه نقش آموزشهای مهدکودک در شناخت عواطف شخصی و شناخت عواطف دیگران و برقراری ارتباط با دیگران در کودکان ۴-۵ سال مهدهای کودک شهر کرمان با سایر کودکان بوده است روش این تحقیق از نوع علی مقایسه ای و حجم نمونه ۳۵۸ نفر که با روش نمونه گیری خوشه ای و جامعه در دسترس به عنوان نمونه انتخاب شده است. برای جمع آوری داده‌ها از پرسشنامه ۳۳ سوالی هوش هیجانی شوت و همکاران (۱۹۹۸) استفاده شده که والدین کودکان آن را پاسخ داده اند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون معنی داری و تفاوت میانگین‌ها T مستقل استفاده شده است. یافته‌های این پژوهش نشان داد در مولفه‌های شناخت عواطف شخصی، شناخت عواطف دیگران و برقراری ارتباط با دیگران به عنوان مولفه‌های هوش هیجانی تفاوت معنی داری وجود دارد به گونه‌ای که کودکان مهد کودکی بطور معنی داری در شناخت عواطف شخصی و شناخت عواطف دیگران و برقراری ارتباط با دیگران از عواطف و ارتباط بیشتری نسبت به کودکان غیر مهد کودکی برخوردارند.

کلید واژگان: شناخت عواطف، آموزش مهد کودک، کودک، ارتباط

مقدمه:

یکی از عمده‌ترین مسائلی که توجه روانشناسان و مسئولان تربیتی را به خود معطوف داشته است رسیدگی به مسائل و مشکلات عاطفی کودکان می‌باشد. با بازی کردن کودکان می‌آموزند که چگونه عواطف خود را کنترل کنند و در چه زمانی چه واکنش هیجانی از خود نشان دهند. بازی به آنها



اطلاعات زیادی در مورد همکاری و مشارکت، کار گروهی و رعایت انصاف و اصول جوانمردی می دهد. بواسطه بازی و انجام بازی هایی که دارای قاعده و مقرراتی هستند، درک اولیه کودکان درباره قواعد و مقررات و عواطف شکل می گیرد و تقویت می شود

– مفهوم و تعریف آموزش مهد کودک

آموزش مهد کودک برنامه ای است کودک محور که از رویکرد بازی و فعالیت پیروی می کند و بر رشد کلی و همه جانبه کودک تمرکز می کند، محیط بازی محرکی برای رشد هوشی، کلامی، اجتماعی و عاطفی فراهم می کند، کودکان را برای ورود به دوره ابتدایی آماده می کند و توانایی تعامل با محیط، مشارکت در فعالیتهای گروهی و توانایی حل مسئله را در کودکان پرورش می دهد، تجارب دست اول را برای کودکان فراهم می کند به طریقی که رشد مهارتهای مربوط به یادگیری را در آنها تضمین می کند، برنامه ایست که بر طراحی از قبل، جدول بندی و نظم تاکید دارد در عین حال نسبت به نیازهای کودکان انعطاف پذیر است، به طور غیر مستقیم کنترل خود و در نتیجه انضباط درونی کودک را بهبود می بخشد. دوره مهد کودک دوره ای است، که در شکل دادن به شخصیت کودکان نقش خیلی زیادی دارد. کودک در این سالها نخستین دانستنی ها را کسب می کند و نخستین مهارتها را از طریق بازی بدست می آورد، و نخستین نگرش ها را کسب می کند. از طریق بازی قوای روحی و جسمی کودک، یعنی دقت، حافظه تصور نظم، و ترتیب چالاکي مهارت و امثال این ها رشد می کند و به تدریج تجارب اجتماعی کسب می کند (شیخ و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۴).

در دوره ی مهد کودک باید از آموزشهایی استفاده کرد که کودک به طور غیر مستقیم مفاهیم، محتوا و گرایش و نگرش های خاصی را دریافت کند. روش های انتخاب شده باید با ویژگی های سنی کودک و واقعیت های زندگی وی تناسب داشته باشد. این روش ها انواع گوناگونی دارند که از جمله ی آن ها روش بازی، مشاهده و گردش و بازدیدهای علمی، نمایش نامه، فیلم های کارتون و انیمیشن، قصه گوئی، کاردستی، خمیربازی، رنگ آمیزی و نقاشی، حرکات بدنی ریتمیک را می توان نام برد (کول، ترجمه مفیدی، ۱۳۸۶: ۳۸).

کودکان مهد کودک و فواید آموزش بازی در تقویت شناخت عواطف و ارتباط با دیگران

بازی معلم خصوصی و راهنمای آموزشی کودک است. بازی بواسطه جذابیتش هدفی می شود که کودک خودش را به سمت شرایط و موقعیت های بهتر بکشد. اگر شما در مورد بازی فکر کنید می بینید، که اغلب در برگزیده عنصری از خطر کردن است. وقتی که کودک روی یک لبه یا تیغه دیوار کوتاه می ایستد یا گام بر می دارد و تعادل خود را حفظ می کند، خطر می کند. هر وقت که کودک، در حال دویدن و پریدن است نیز، در واقع دارد خطر می کند و خود را به مخاطره می اندازد. خطر کردن گاهی اوقات به فعالیت گروهی همراه است. در این حالت بازی کودک را ترغیب می کند که با بازی به طرف سطح جدیدی از تجربه گام بردارد. بازی همچنین ارزش آموزشی دارد. در جریان زمان بازی، کودک هر نوع اسباب بازی را دستکاری و امتحان می کند. او شکل ها، رنگ ها، اندازه ها و نرمی و زبری و اینکه چگونه اجزاء یک شیء، یک شیء دیگر را کامل می کنند، می آموزد؛ قدرت تحرکش به او امکان می دهد بواسطه بازی هایی که انجام می دهد و تماسی که با دیگران برقرار می کند، بالاخره در وقت مناسب یک کودک مهد کودکی بواسطه بازی کردن اصول برنامه ریزی کردن و برای انجام کارها، نقشه و طرح ریختن و نیز داشتن استراتژی برای حل مسأله فردی و اجتماعی را می آموزد (عسکری زاده، ۱۳۸۶: ۱۲۵). بازی همچنین شامل عنصر سازندگی است. کودکان معمار و سازنده هستند و تلاش های آنان بازتاب دانش و اطلاعات روزانه آنهاست (مهبجور، ۱۳۹۰: ۲۱۲)

گلمن (به نقل از دیویس، ۲۰۰۱: ۲۱) هوش هیجانی و شناخت عواطف را عنصری سازنده در تعلیم و تربیت می داند و کودکی را فرصتی برای شکل دهی عادات هیجانی می داند. یعنی این که کودکان با پشتکار و پذیرش خطاها و اشتباهات خود، به عنوان یک بخش ذاتی و طبیعی یادگیری، قادر خواهند بود خود را بهتر کنترل کنند و ناکامی های خود را در مسیر مثبتی هدایت کنند و از آنها بهره ببرند. همچنین رشد و گسترش هوش هیجانی را برای تربیت خوب کودکان و امنیت در جامعه حیاتی می داند بنابراین، به نظر می رسد مهد کودک ها باید چگونگی اداره و کنترل هیجانها و مهارت ارتباط با دیگران را به کودکان بیاموزند.

با در نظر گرفتن اینکه کودکان امروز، آینده سازان فردای جامعه می باشند و با توجه به اهمیت دوره مهد کودک که دوره ی حساس و دوره یادگیری و رشد ابعاد مختلف شخصیت فرد می باشد شایسته است که به کودکان مهد کودک توجه خاص مبذول شود. بسیاری از کودکان در جامعه از هوش هیجانی و عواطف لازم برخوردار نیستند در نتیجه نمی توانند در آینده به نحو سازنده و مفید در جامعه عمل کنند.

شناخت عواطف شخصی

خودآگاهی، یعنی تشخیص هراساس به همان صورتی که بروز می کند توانایی نظارت بر احساسات در هر لحظه برای به دست آوردن بینش روان شناختی و ادراک خویشتن نقشی تعیین کننده دارد. ناتوانی در تشخیص احساسات راستین، ما را به سردرگمی دچار می کند. افرادی که نسبت به احساسات خود اطمینان بیشتری دارند بهتر می توانند زندگی خویش را هدایت کنند.

شناخت عواطف دیگران

همدلی، توانایی دیگری بر خود آگاهی عاطفی متکی است و اساس مهارت رابطه با مردم است. افرادی که از همدلی بیشتری برخوردارند به علایم اجتماعی ظریفی که نشان دهنده نیازها یا خواسته های دیگران است توجه بیشتری نشان می دهند. انسان هایی که در شناخت عواطف دیگران مهارت دارند به راحتی و گاهی بدون دیدن چهره طرف مقابل مثلا از پشت تلفن قادرند حالت روحی دیگران را حدس بزنند.

- برقراری ارتباط با دیگران:

بخش عمده ای از هنر برقراری ارتباط، مهارت کنترل عواطف در دیگران است. افرادی که در این زمینه مهارت دارند، به خوبی و عمیقا به دیگران گوش می دهند، دیگران را می پذیرند و دست به قضاوت نمی زنند، در دیگران احساس ارزش و عزت تولید می کنند نه احساس گناه و در هر آن چه که به کنش متقابل آرام با دیگران بازمی گردد به خوبی عمل می کنند. آنان ستاره های اجتماعی هستند ستاره هایی که حتی در روز نیز درخشان اند! البته افراد از نظر توانایی های خود در هر یک از این حیطه ها، با یکدیگر تفاوت دارند و ممکن است بعضی از ما مثلا در کنار آمدن با اضطراب های خود کاملا موفق باشیم، اما در تسکین دادن نا آرامی های دیگران چندان کار آمد نباشیم. بدون شک، زیر بنای اصلی سطح توانایی ما، عصب است اما مغز به طرز چشم گیری شکل پذیر است و همواره در حال یادگیری است.

ایجاد روحیه همکاری و کمک به دیگران :

کودکانی که از شناخت عواطف بیشتری برخوردار باشند از احساسات دیگران آگاهی کامل دارند و در گروه سعی می کنند عضو سازنده باشند و نیازهای دیگران را درک می کنند و حداقل با همدلی به آنان کمک می کنند. با آموزش و پرورش هوش هیجانی و مهارت شناخت عواطف کودکان پی می برند وقتی احساس بهتری نسبت به زندگی دارند که با یکدیگر همکاری داشته و به هم کمک کنند. تحقیقات نشان داده کودکانی که از نظر شناخت عواطف و ارتباط با دیگران در سطح بالاتری هستند ویژگی های زیر را دارند: یادگیرندگان بهتری هستند، مشکلات رفتاری کمتری دارند، هیجان های خود را به خوبی بیان می کنند، به حرف های دیگران خوب گوش می کنند، از خود خشونت کمتری نشان می دهند، دوستان زیادی پیدا می کنند، خوشحال و با نشاط هستند، اگر در زندگی آنان مشکلی پیش آید، در حل مشکل خوب عمل می کنند و تحمل مشکلات در این کودکان بیشتر است، بیشتر از دیگران هیجان ها و تکانه های خود را کنترل می کنند، در باره اطرافیان خود احساس خوبی دارند (امیرحسینی، ۱۳۸۵: ۱۴).

ایجاد حس مسئولیت پذیری :

ارتباط با دیگران به ما کمک می کند که فرد مسئولیت پذیری در جامعه باشیم، برای رسیدن به این مرحله باید به کودکان آموزش های لازم را بدهیم. ابتدا با آموزش کودکان، به آنان یاد دهیم به جای آنکه دیگران احساسات شان را در دست گیرند، مسئولیت احساسات و هیجان های خود را بپذیرند، به عنوان مثال : به جای اینکه بگوید " شما باعث خوشحالی من شدید " از جمله " من احساس خوشحالی می کنم " استفاده کند. همچنین به آنها بیاموزیم در مقابل احساسات خود حق انتخاب دارند، انتخاب هایی چون استفاده از مهارت های کلامی و غیر کلامی، تغییر دادن، اقدام کردن و همه ما می توانیم بر هیجان های خود تسلط داشته باشیم و آن را تحت کنترل خود بگیریم و این امر با تقویت شناخت عواطف و ارتباط اجتماعی میسر می

شود وقتی هیجان ها و احساسات ما کنترل شود، رفتار مناسب تری را هم تجربه خواهیم کرد و این رفتار خوب باعث ایجاد احساس خوب و بالا رفتن اعتماد به نفس و تقویت ارتباط اجتماعی می شود

قنبری هاشم آبادی (۱۳۹۰) تحقیقی با هدف مقایسه هوش هیجانی در کودکان پرورشگاهی با کودکان عادی انجام داده اند. روش این تحقیق از نوع علی-مقایسه ای انجام داده اند. نتایج پژوهش نشان داده که تفاوت معناداری بین کودکان پرورشگاهی و عادی در مولفه های خودآگاهی، خود شکوفایی، همدلی، شادکامی، حل مساله، خوشبینی، انعطاف پذیری و مسوولیت پذیری به عنوان مولفه های هوش هیجانی وجود دارد. به گونه ای که کودکان عادی به طور معناداری از هوش هیجانی بالاتری نسبت به کودکان پرورشگاهی برخوردارند و روابط عاطفی بهتری را نسبت به کودکان پرورشگاهی تجربه می کنند و نگرش مثبت تری به زندگی، نسبت به کودکان پرورشگاهی دارند

روش تحقیق و تجزیه و تحلیل داده ها

در این پژوهش روش تحقیق از نوع علی مقایسه ای است داده های مورد نیاز تحقیق از ۳۸۵ پرسشنامه، که از نمونه گیری خوشه ای و جامعه در دسترس که حاوی سؤالات مربوط به فرضیه های تحقیق است جمع آوری گردیده است. جهت بررسی فرضیه های تحقیق از آزمون t مستقل و برای بررسی وضعیت متغیرها از آماره های توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار استفاده شده است. و روایی این پرسشنامه را ۰/۸۶ و پایایی آن را ۰/۸۸ ذکر کرده اند. در این تحقیق پایایی این پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۵ بدست آمده است.

جدول ۱- آماره های آزمون T برای مقایسه میانگین شناخت عواطف شخصی در کودکان مهد کودکی و غیر مهد کودکی

معنا داری	درجه آزادی	آماره	انحراف معیار	میانگین	تعداد	شناخت عواطف شخصی
۰/۰۰۱	۳۵۶	۲۷/۱۷	۲/۸۶۶	۲۳/۶۹	۱۷۹	کودکان مهد کودکی
			۲/۷۸۶	۱۵/۵۷	۱۷۹	کودکان غیر مهد کودکی

جدول ۲- آماره های آزمون T برای مقایسه میانگین شناخت عواطف دیگران در کودکان مهد کودکی و غیر مهد کودکی

معنا داری	درجه آزادی	آماره	انحراف معیار	میانگین	تعداد	شناخت عواطف دیگران
۰/۰۰۱	۳۵۶	۲۴/۱۶	۳/۸۲۶	۳۰/۸۵	۱۷۹	کودکان مهد کودکی
			۴/۰۶۹	۲۰/۷۶	۱۷۹	کودکان غیر مهد کودکی

جدول ۳- آماره های آزمون T برای مقایسه میانگین برقراری ارتباط با دیگران در کودکان مهد کودکی و غیر مهد کودکی

معنا داری	درجه آزادی	آماره	انحراف معیار	میانگین	تعداد	برقراری ارتباط با دیگران
۰/۰۰۱	۳۵۶	۲۴/۸۳	۳/۲۰۷	۲۸/۱۸	۱۷۹	کودکان مهد کودکی
			۳/۲۴۸	۱۹/۷۱	۱۷۹	کودکان غیر مهد کودکی

نتیجه گیری و بحث و بررسی

تجزیه و تحلیل داده ها، از طریق آزمون t مستقل نشان می دهد شناخت عواطف شخصی و شناخت عواطف دیگران و برقراری ارتباط با دیگران در کودکان مهد کودکی با کودکان غیر مهد کودکی با هم تفاوت دارد. بر این اساس می توان گفت یکی از روشهای تقویت شناخت عواطف کودکان آموزشها

و بازیهای مفید مهد کودک می باشد و اگر فعالیتهای مفید و سازنده ای توسط مربیان در مهد کودک در حوزه بازی و تقویت مهارت اجتماعی آنها صورت بگیرد این امر می توان با عث تقویت ارتباط اجتماعی آنها بشود، پس کودکانی که به مراکز مهد کودک می روند از نظر شناخت عواطف خود و دیگران و ارتباط اجتماعی نسبت به کودکانی که در این سن در خانه می مانند از احساسات و عواطف و تعامل اجتماعی بیشتری برخوردارند. شناخت عواطف شخصی در کودکان مهد کودک با کودکانی غیر مهد کودک تفاوت معنی داری وجود دارد کودکان مهد کودک هیجانات خود را بخوبی تشخیص می دهند، و بر آنها کنترل دارند و اسانتر می فهمند که در یک زمان خاص چه احساس و هیجانی را تجربه می کنند و براساس احساسات و هیجانها می توانند واکنش مناسبی را در شرایط مختلف از خود نشان دهند.

بنابراین می توان گفت کودکان مهد کودک نسبت به کودکان غیر مهد کودک، معنای پیامهای غیر گفتاری (مانند تن صدا، لحن کلام، حرکات چهره و ...) دیگران را بهتر می فهمند، از پیامهای غیر گفتاری و معنای آن پیام ها که به دیگران می فرستند، آگاهی بیشتری دارند. هنگامیکه دیگران سعی در مخفی کردن حالت احساسی صورتشان دارند، راحت تر می توانند بفهمد که چه احساسی را تجربه می کنند، هنگامی که دیگران کاری را به خوبی انجام می دهند، آن را بهتر درک کرده و مورد تحسین قرار می دهند، وقتی که شخص دیگری یک حادثه مهم در زندگی شخصی اش را برای آنها تعریف می کند، بیشتر احساس می کنند که خودشان آن حادثه را تجربه کرده اند، از طریق نگاه کردن به افراد دیگر می توانند بفهمد که در آن لحظه چه احساسی دارند و بهتر از کودکان مهد نرفته می توانند از طریق گوش کردن به تن صدای دیگران بگویند که افراد در آن زمان چه احساسی داشته اند. بنابراین رفتن کودکان به مهد کودک می توان باعث تعامل اجتماعی بیشتر کودک و درک بهتر احساسات و واکنشهای اطرافیان توسط وی بشود

برقراری ارتباط با دیگران، کودکان مهد کودک نسبت به کودکان غیر مهد کودک وقتی با دیگران صحبت می کنند، نسبت به مشکلات آنها هوشیار ترند و اعتماد دیگران را راحت تر جلب می کنند، می توانند راحت تر احساسات و هیجاناتش را بادیگران در میان بگذارند، بهتر می تواند در شرایط مختلف باعث ایجاد شادی و لذت در اطرافیان بشود و بهتر می تواند در شرایط سخت ناراحت کننده با دیگران رابطه برقرار کند، پس یکی از مزایای رفتن کودکان به مهد کودک گسترش مهارتهای اجتماعی کودکان و کمک به آنها جهت سازگاری اجتماعی تشریک مساعی بیشتر و بهتر میباشد

منابع:

- ۱- محمود، شیخ و باقرزاده، فضل الله و یوسفی، سهیلا. (۱۳۸۹). تاثیر بازی های دبستانی
- ۲- کول، ونیتا. (۱۳۸۶) برنامه آموزش و پرورش، ترجمه فرخنده مفیدی. تهران: انتشارات سمت
- ۳- عسکری زاده، قاسم. (۱۳۸۶). کلید های آموزش کودکان درمهد کودک و. پیش دبستانی. تهران: خانه ادبیات.
- ۴- مهجور، سیامک رضا. (۱۳۹۰). روانشناسی بازی، شیراز: ساسان
- ۵- امیری نیا، محمود (۱۳۹۳) هیجان رفتار و تن گفتار. نشر آراسته
- ۶- گلمن، دانیل (۱۳۸۹). هوش هیجانی (ترجمه نسرين پارسا)، تهران: رشد
- ۷- گنجی، حمزه. (۱۳۸۴). هوش هیجانی و مهارتها و آزمونها. تهران: ساولان
- ۸- امیرحسینی، خسرو. (۱۳۸۵). خانواده خوشبخت و فرزند موفق. تهران: رشد.
- ۹- گلستان چهرمی، فاطمه و پورشهریاری، سیما و اصغر نژاد، علی اصغر. (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین هوش هیجانی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تیز هوش و عادی، مطالعات روانشناسی تربیتی، دوره ۵، شماره ۱: ۷۹-۹۸.
- ۱۰- قنبری هاشم آبادی، بهرامعلی (۱۳۹۰). مقایسه هوش هیجانی در کودکان پرورشگاهی با کودکان عادی. روان شناسی تربیتی (روانشناسی و علوم تربیتی). دوره ۷، شماره ۲۱، صص ۷۳-۸۹.